دریچه | محمدصادق عابدینی

مانور روی بودجه جدول شماره ۱۷ برای دیده نشدن ریخت و پاش‌ها

جریان مرموزی که به دنبال حذف بودجه نهادهای فرهنگی بود، اکنون تلاش دارد پرداخت دولت به نهادها را پرداخت بودجه به شخصیت‌های فرهنگی که در رأس این مؤسسات و نهادها قرار دارند جلوه دهد.

از حدود دو دهه پیش و با روی کار آمدن دولت اصلاحات، تلاش اصلاح‌طلبان برای حذف و قطع بودجه نهادهای فرهنگی آغاز شد. اصلاح‌طلبان به انحای مختلف تلاش کرده‌اند از پرداخت‌های بودجه‌ای به نهادها و مؤسسات فرهنگی جلوگیری شود، حتی این تلاش تا آنجا پیش رفته که این طیف سیاسی چشم دیدن بودجه مصوب و پرداخت شده به «بنیاد ایران‌شناسی» را که رئیس دولت اصلاحات پایه‌ریزی کرد و کارکردی ملی دارد، ندارد.

اصلاح‌طلبان هر ساله با اعلام بودجه پیشنهادی دولت، از میان همه بخش‌ها و بندهای بودجه، یک راست سراغ «جدول شماره ۱۷» را می‌گیرند؛ جدولی که در آن از صداوسیما گرفته تا حوزه‌های علمیه و بنیادهای فرهنگی قرار دارند. اصلاح‌طلبان که دل خوشی از صداوسیما ندارند و رسانه ملی را به هر نحو ممکن زیر سؤال می‌برند، در توصیف جدول شماره ۱۷، از الفاظی مانند «جدول رانتی»، «گرفتن مبالغ هنگفت» و «عدم‌امکان نظارت بر بودجه» استفاده می‌کنند. فضاسازی چهره‌های اصلاح‌طلب و پیگیری رسانه‌های وابسته همیشه در سمت و سوی حذف جدول شماره ۱۷ بوده است و حتی در این مسیر به نظرات نمایندگان اصولگرای منتقد جدول شماره ۱۷ نیز توجه ویژه‌ای می‌شود. در جنگ سیاسی با مؤسسات و نهادهای فرهنگی، آنچه بیش از همه خودنمایی می‌کند، تلاش برای گمراه ساختن افکار عمومی است. در رسانه‌های وابسته و فضای مجازی با پیش کشیدن بودجه نهادهای فرهنگی، این بودجه مترادف و مساوی با هزینه انجام خدمات عمرانی در بخش‌های محروم کشور دانسته شده و القا می‌شود که اگر این بودجه در اختیار مؤسسات و نهادها قرار نگیرد به صورت مستقیم در اختیار مناطق محروم قرارداده می‌شود و مشکلی از مشکلات کشور را حل می‌کند. این القائات در حالی صورت می‌گیرد که هیچ اشاره‌ای به ریخت و پاش‌های بی‌مورد دولتی نمی‌شود و حتی در مقام طنز و کنایه نیز به این موضوع پرداخته نمی‌شود که با صرفه جویی از محل تشریفات و هزینه‌های بی‌مورد دولتی می‌توان چه خدماتی را ارائه کرد.

بازیگردانان صحنه زیر سؤال بردن جدول شماره ۱۷، نسبت به عملکرد این نهادها یا اطلاعاتی را منتشر نمی‌کنند و اگر هم صحبتی انجام شود یک سویه و ناقص خواهد بود تا با استفاده از بی‌اطلاعی مردم از مأموریت‌ها و رسالت نهادهای فرهنگی، اصل وجودی آنها را زیر سؤال ببرند.

حجت‌الاسلام پژمانفر، نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس درباره این گونه اقدامات می‌گوید: «افرادی که با حوزه فرهنگی آشنایی ندارند این رفتارهای سخیف و نامناسب را انجام می‌دهند، حذف جدول ۱۷ و به دنبال آن حذف بودجه نهادهای خاص در آینده‌ای نه چندان دور کشور را با چالش‌ها و معضلات بسیاری در زمینه فرهنگی روبه‌رو می‌کند.» با وجود همه تلاش‌های مرموز برای حذف نهادها و قطع بودجه آنها، امسال نیز در بودجه ۹۷، جدول شماره ۱۷ دیده شده و بر اساس آنچه دولت «تکریم حقوق شهروندی» اعلام کرده است، بودجه پرداختی به نهادهای فرهنگی در فروردین ماه اعلام شد. در این جداول که بخش‌های زیادی از آن به دلیل استفاده از عنوان «هزینه‌های اجتناب ناپذیر» مبهم و حتی طنزآمیز شده، توجه زیادی به پرداخت‌های ذیل جدول شماره ۱۷ شده است.

با اعلام جداول پرداختی خزانه، جریانی که خیمه‌گاه آن در اردوگاه اصلاح‌طلبان است، پرداختی‌های نهادهای فرهنگی را زیر ذره بین برده و برای زنده کردن خط حذف بودجه مؤسسات فرهنگی، تلاش کرده است بودجه اختصاص یافته را نه به نهاد و مؤسسه بلکه به شخص مدیر و مسئول آن نهاد مرتبط کند.

روزنامه اصلاح‌طلب مردم سالاری در شماره روز چهارم اردیبهشت، در گزارشی با عنوان «نهادهای تحت مدیریت چهره‌های سیاسی و مذهبی چقدر بودجه گرفته‌اند»، کاملاً این خط سیاسی را پی گرفته است. در این گزارش اسامی مسئولان نهادهایی که بودجه دریافت کرده‌اند آورده شده و باز هم با پیش کشیدن عدم نظارت دولت بر بودجه این نهادها خواستار پاسخگویی آنها نسبت به این بودجه شده است.

به رغم همه این تنگ نظری‌ها و لجن پراکنی ها، نهادهای فرهنگی نظام در حال انجام مأموریت‌های محوله هستند و عزم نظام اسلامی بر تداوم حضور این مؤسسات است.

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۳۵۹ | شنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ | ۱۱ شعبان ۱۴۳۹ | اذان ظهر: ۱۳:۰۲ |
غروب آفتاب: ۱۹:۴۸ | اذان مغرب: ۲۰:۰۷ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۱۵ | اذان صبح فردا: ۰۴:۴۳ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۱۵ |

حکمت

حکمت ۳۳۸

علم و دانش دو گونه است: فطری و شنیدنی (اکتسابی) و دانش شنیدنی سودی نمی‌دهد هنگامی که هماهنگ با فطری نباشد.

گفت‌وگوی «جوان» با «ضیاءالدین دری» درباره چرایی استقبال این روزهای مخاطبان از سینمای سخیف و لوده

سینماگر ما چون کمدی نمی‌شناسد صرفاً به شوخی‌های اروتیک روی می‌آورد

■ **جواد محرمی**

سینمای کمدی در ایران مانند همه جای دنیا ژانری عامه‌پسند محسوب می‌شود اما به نظر می‌رسد سینمای ایران هر قدر جلوتر می‌رویم به جای قدم گذاشتن بر جای پای بزرگان کمدی جهان و ارتقای این ژانر، صرفاً فتح گیشه را هدف قرار داده و به نوعی در حال سوءاستفاده از جنبه‌های مردمی این ژانر است. در واقع خیلی از فیلمسازان، سینمای سخیف، لوده و به اصطلاح فیلم‌های شونه تخمه‌مرغی را با سینمای کمدی اشتباه گرفته‌اند. این فیلمسازان عامدانه دست روی مسائلی از جمله خطوط قرمزهای عرفی و شرعی می‌گذارند و می‌خواهند با بازی با آنها مخاطبان را به سینما بکشانند. گفت‌وگوی «جوان» با «ضیاءالدین دری» کارگردان سینما و تلویزیون درباره علت تولید و استقبال مخاطبان از این نوع فیلم‌ها را می‌خوانید.

■■■

سینمای کمدی ایران جزو پرفروش‌ترین ژانرهای سینما در ایران است و همین باعث شده تا هر فیلمساز شکست‌خورده‌ای در گیشه به این فکر بیفتد تا برای جبران یکبار هم که شده ژانر کمدی را تجربه کند. شما فکر می‌کنید در این معادله بیش از همه مردم و مخاطبان سینما قابل سرزنش هستند یا سینمای ایران در این وضعیت به وظایف ذاتی‌اش در ارتقای هنر و فرهنگ مسئولانه عمل نمی‌کند.

به نظرم به مخاطبان سینما نمی‌شود ایراد گرفت چون مردم اساساً برای سرگرم شدن به سینما می‌روند. اگر فیلم سرگرم نکند آنها حاضر نیستند پول و وقتشان را هزینه کنند اما سینماگرانی وجود دارند که آثارشان هم سرگرم می‌کند و هم شأن فرهنگ و هنر را حفظ می‌کند.

سینمای کمدی شاخه بندی‌های زیادی دارد.

در سینمای ایران به بازیگر و سلبریتی بیشترین پول را می‌دهند و بیشترین توجه را می‌کنند. در امریکا سینما را به طور کلی به سلبریتی‌ها گره نمی‌زنند. قرار نیست مردم صرفاً سرگرم شوند بلکه سرگرمی وسیله‌ای برای فرهنگسازی است

در اروپای شرقی برای مثال نوعی کمدی شبیه روحوضی در ایران وجود دارد که حتی برای آن جشنواره هم دارند.

در واقع گونه بندی و شاخه بندی کمدی در غرب انجام شده و مردم برای رفتن به سینما تقریباً تکلیفشان مشخص است یعنی دقیقاً می‌دانند به سینما می‌روند که چه جور کمدی‌ای تماشا کنند.

بازیگران هر زیرشاخه‌ای هم مشخص است، برای مثال در ایتالیا کمدی‌های چیچو فرانکو یک قالب مشخص را نمایندگی می‌کند ولی در ایران هر فیلمی که موضوع خنده در آن مطرح باشد در ژانر کمدی جای می‌گیرد. در مقطعی از تاریخ سینمای ایران و در اواخر رژیم پهلوی نوعی از کمدی که مخلوطی از لودگی و موقعیت‌های اروتیک بود، رواج پیدا کرد. همان روند فیلمفارسی‌سازی‌ها به سینمای ایران لطمه زد و آن را تا مرز ورشکستگی برد.

ظاهراً همان روند در حال تکرار شدن است.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که سرگرمی را در سینما نباید دست کم گرفت ولی برخی آثار به خنده اصالت می‌دهند نه به هنر و فرهنگ و این است که کارها را سخیف و مبتذل می‌کند. واقعیت این است که سینماگر یا فیلمساز ما برای ارتقای کار خود درست آموزش ندیده است.

وقتی اسلوب و سبک را نمی‌شناسد و فقط روحوضی را می‌داند نتیجه کارش هم از یک حدی فراتر نمی‌رود. فضای مدیریت سینما و رسانه از او بیلی وایلدر نمی‌خواهد.

سینماگر ما کمدی‌های آنتوان چخوف را نمی‌شناسد و نگاهش به کمدی جدی نیست ولی واقعیت این است که کمدی یکی از جدی‌ترین و بااهمیت‌ترین ژانرها در سینماست، چون نمی‌شناسد صرفاً به شوخی‌های اروتیک و پایین‌تنه‌ای اشاره می‌کند و البته فضای سانسور هم به او کمک می‌کند تا با ارجاعات غیرمستقیم مخاطبش را به وجد بیاورد اما نکته اصلی در ضعف کمدی‌های این روزهای سینمای ایران این است که اساساً در سینمای ایران متن اولویت اول نیست.

منظورتان این است که فیلمنامه ارزشی را که باید داشته باشد، ندارد؟

دقیقاً، شما ببینید در سینمای ایران به بازیگر و سلبریتی بیشترین پول را می‌دهند و بیشترین توجه را می‌کنند. در امریکا سینما را به طور کلی به سلبریتی‌ها گره نمی‌زنند. قرار نیست مردم صرفاً سرگرم شوند بلکه سرگرمی وسیله‌ای برای فرهنگسازی است.

آنجا بیشترین پول را به متن و فیلمنامه می‌دهند برای همین هم است که سینما رشد می‌کند. نویسنده خوب متنی می‌نویسد که هم سرگرم کند و هم مفاهیم خاصی را ارائه بدهد. سینمای ایران از این جهت دچار بی‌قوارگی است. کسی که می‌خواهد حرف مهمی بزند فکر می‌کند که اساساً با متن حوصله سر بر باید پیامش را بدهد و از سویی دیگر فیلمسازی که می‌خواهد از طریق کمدی پیامش را منتقل کند به غنای متن بی‌توجه است.

در ایران به نویسنده پول کافی نمی‌دهند. یک نویسنده خوب برای اینکه متن او قوام لازم را پیدا کند حداقل یک سال باید روی متنش کار کند. وقتی می‌بیند امنیت شغلی ندارد متنش را یک ماهه می‌نویسد و معلوم است که نتیجه کار چه می‌شود. معتقدم تا سینمای ایران ارزش متن و فیلمنامه را درک نکند و در کنار سلبریتی‌پروری به تربیت نویسنده‌های خوب مبادرت نورزد، وضع همین است که هست، البته این تغییر به نفع فرهنگ و هنر نیاز به سیاستگذاری دارد و شما الان مشاهده می‌کنید که در این زمینه نه تنها سیاستگذاری نمی‌شود بلکه اساساً فهم درستی هم از ریشه‌ها و معضلات سینما مشاهده نمی‌شود. تا شما درد را تشخیص ندهید چگونه می‌خواهید یک بیماری را درمان کنید.

آقایان الان در مرحله‌ای هستند که حتی درد را هم حس نمی‌کنند، یعنی شما به آنها بگویید ضعف فیلمنامه متوجه عمق ماجرا نمی‌شوند. نمی‌دانند که نویسنده برای امرار معاش نیاز به حمایت مالی دارد. متوجه نیستند که اگر نویسنده‌های ما احساس امنیت شغلی داشته باشند متن‌های ما هم ارتقا پیدا می‌کند. اصلاً شما نمی‌بینید که نویسنده تربیت بشود و اساساً چنین دغدغه‌ای حس نمی‌شود.

نما | حسین کشتکار

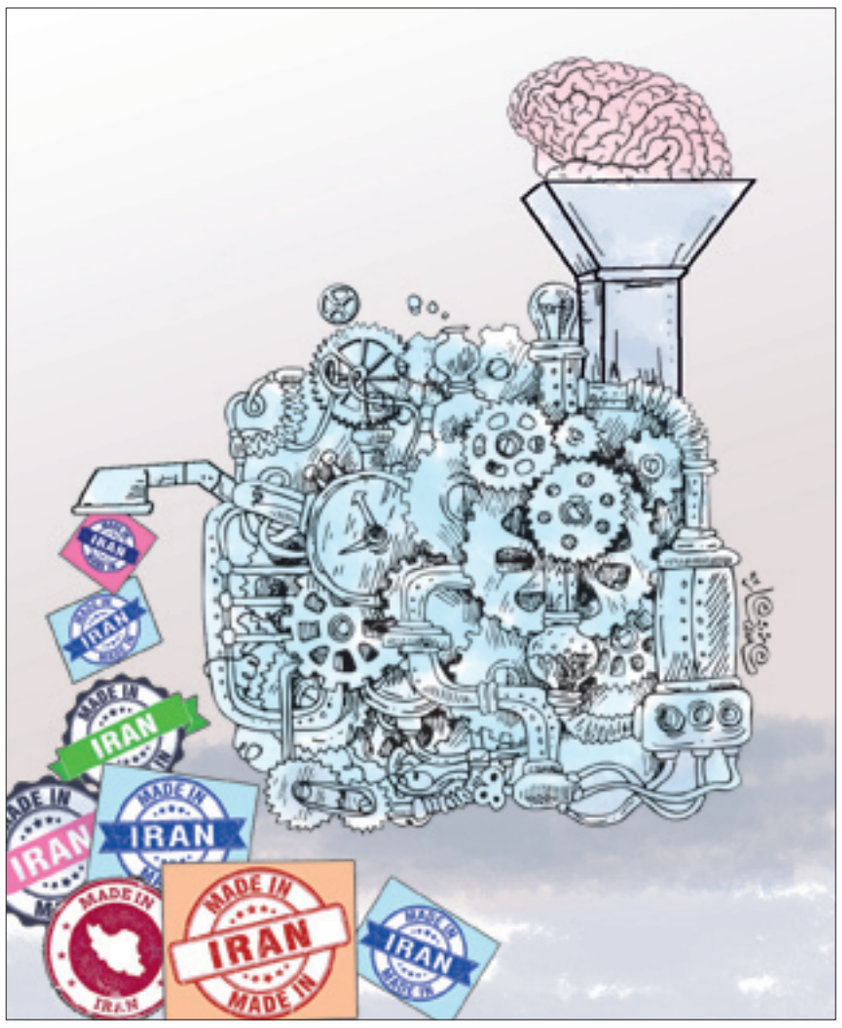

خارجی‌ها از جشنواره جهانی فیلم فجر دست پر رفتند

مراسم اختتامیه سی و ششمین جشنواره جهانی فیلم فجر با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مسئولان سینمایی و سینماگران عصر پنج‌شنبه ششم اردیبهشت در تالار وحدت برگزار شد.

در مراسم اختتامیه سی‌وششمین جشنواره جهانی فیلم فجر، رضا میرکریمی دبیر این دوره از جشنواره در سخنانی گفت: سه سال است دبیر جشنواره هستم، دو سال گذشته گزارش ندادم و امسال هم این کار را نمی‌کنم اما از فرصت استفاده می‌کنم و از تیم مدیران این جشنواره و همه اهالی سینما که به ما کمک کردند تشکر می‌کنم. از کسانی هم که سعی کردند برای جشنواره ما حاشیه منفی ایجاد کنند تشکر می‌کنم. در نهایت می‌خواهم حضور اولیور استون را تشویق کنید. بعد از این سخنان، اهدای جوایز بخش‌های مختلف جشنواره آغاز شد. جایزه «نت پک» که هیئت داوران آن متشکل از رامان چاولا، حبیب احمدزاده و آصیف رستم‌اف بود، به فیلم «هندی و هرمز» به کارگردانی عباس امینی اهدا شد.

امینی بعد از دریافت جایزه خود گفت: آرزو می‌کنم روزی پیش آید که بچه‌های سرزمین من به خاطر فقر تن به ازدواج زودهنگام ندهند. جایزه بخش «فیلم‌های اول» نیز به «درساژ» به کارگردانی پویا بادکوبه اهدا شد. همچنین از نگار مقدم برای بازی در این فیلم قدردانی شد. بادکوبه بعد از دریافت جایزه، بیان کرد: چه کیفی می‌دهد آدم در کشور خودش جایزه بگیرد. از جشنواره جهانی فیلم فجر برای حمایت از فیلم‌های اول تشکر و این جایزه را به استادم، پدرم، محمدرضا بادکوبه تقدیم می‌کنم، سپس تیزری با استفاده از تصاویر فیلم‌های جشنواره نمایش داده شد. در ادامه اهدای جوایز، در بخش «جایزه بین‌الادیان» با محوریت فیلم هایی که با هدف آموزش دینی ساخته می‌شوند، داور خارجی این بخش بیان کرد: ویژگی این بخش گفت‌وگوهایی بود که برای انتخاب فیلم داشتیم چون هر یک از ما از منطقه‌ای بودیم و به دنبال این بودیم که فیلمی انتخاب کنیم که در عین حال که از زیبایی شناسی برخوردار است از ارزش‌های انجیل و قرآن کریم هم برخوردار باشد. جایزه این بخش به فیلم «گندم» به کارگردانی سمیح کاپلان اوغلو محصول ترکیه، آلمان، فرانسه، سوئد و قطر رسید. در بخش «جایزه صلح»، رامبد جوان از ریتی پان فیلمساز اهل کامبوج یاد کرد و گفت: او سال هاست که درباره درد بشر و علت پیدایش خشونت بشر فکر کرده و فیلم و مستند ساخته است. ساخت فیلم اخیر او ۱۵ سال طول کشیده است. رامبد جوان برای اهدای جایزه ریتی پان از اولیور استون دعوت کرد تا جایزه او را اهدا کند و ابتدا روی صحنه یک عکس سلفی از

او گرفت. استون درباره پان عنوان کرد: ریتی پان مدت‌های طولانی مشغول ساخت فیلم بوده و من با افتخار جایزه صلح را به او تقدیم می‌کنم، سپس جایزه صلح جشنواره برای یک عمر دستاورد هنری به ریتی پان کارگردان کامبوجی اهدا شد. پان نیز بعد از دریافت جایزه خود عنوان کرد: از لطف و میزبانی شما ممنونم، این جایزه یک معنی دارد و آن، این است که شاید سینما نتواند دنیا را تغییر دهد اما باعث می‌شود ما با یکدیگر گفت‌وگو کنیم. همچنین دیپلم افتخار بخش «جایزه صلح» نیز به فیلم «معدنچی» به کارگردانی هانا اسلک محصول اسلونی و کرواسی اهدا شد. اسلک بعد از دریافت جایزه خود بیان کرد: خیلی خوشحالم در این جشنواره فیلم من دیده شد، من یک آرزو می‌کنم و دوست دارم در سال‌های پیش رو تعداد زیادی مستند و فیلم از فیلمسازان زن ایرانی نه فقط در اینجا بلکه در جهان ببینیم. در بخش «جلوه گاه شرق» نیز جایزه بهترین فیلم کوتاه آسیایی به محمد کارت برای «بچه خور» اهدا شد. کارت بعد از دریافت جایزه گفت: خوشحالم که برای اولین فیلم داستانی کوتاهم جایزه می‌گیرم. تندیس بهترین کارگردان فیلم آسیایی هم به فیلم «پاسیو» به کارگردانی مریم بحرالعلومی اهدا شد.

بحرالعلومی نیز در این بخش از مراسم گفت: خوشحالم یک دستیار کارگردان در اولین فیلم بلند خود در یک جشنواره معتبر بین‌المللی اما داخلی جایزه می‌گیرد. در ادامه مراسم محمدمهدی حیدریان رئیس سازمان سینمایی روی صحنه آمد تا تندیس بهترین فیلم بلند سینمایی را به فیلم «پدر و پسر» به کارگردانی دونگ دینگ لونگ محصول ویتنام، اهدا کند. کارگردان فیلم «پدر و پسر» اظهار کرد: ما زیبایی‌های ایران را می‌دانستیم ولی با حضور در این کشور با روح ایران آشنا شدیم و زیبایی‌های ایران را بیشتر شناختیم و از جشنواره جهانی فیلم فجر برای این دعوت ممنونیم.

جایزه بخش «محمد امین» نیز به مجید مجیدی برای فیلم «آن سوی ابرها» اهدا شد.

دیده‌بان

«از افغانستان تا لندنستان» به درون شبکه‌های تکفیری کانال زد

کتاب «از افغانستان تا لندنستان» روایتی از درون شبکه‌های تروریستی و تکفیری از سوی نشر شهید کاظمی منتشر شد.

از افغانستان تا لندنستان، خاطرات عمر الناصری (ابوامام‌المغربی) است؛ یک جوان اهل مغرب که از کودکی در بلژیک بزرگ شده و بعد از یک زندگی پرفراز و نشیب، به شبکه‌های تکفیری داخل اروپا متصل می‌شود، اما در همان زمان بنا به دلایلی دیگر، به عضویت «دستگاه اطلاعات خارجی فرانسه» (DGSE) نیز درمی‌آید. این کتاب، شرح جذابی است از زندگی پرماجرای عمر الناصری؛ کسی که هم می‌خواست «مجاهد» باشد، هم می‌خواست با «تروریست‌ها» بجنگد؛ کسی که هم از دستگاه‌های اطلاعاتی غربی می‌ترسید و هم برای نجات جان خود به آنها پناه برده بود. شرح این ارتباطات، ماجراجویی‌ها و خطرات سهمگینی که او از سرگذرانده در این کتاب آمده است؛ کتابی که از سوی وحید خضاب (محقق و مترجم تخصصی جریانات تکفیری) ترجمه شده و به زودی از سوی نشر شهید کاظمی روانه بازار خواهد شد.

در مقدمه کتاب که به قلم عمر الناصری نوشته شده می‌خوانیم: از رادیو خبر حملات ۱۱ سپتامبر را شنیدم. سوار ماشینم بودم، داشتم می‌رفتم همسرم را از محل کارش به خانه ببرم. خبرنگاران احتمال می‌دادند که هواپیما به صورت تصادفی به برج اول خورده باشد. همسرم سوار ماشین شد. او هم خیال می‌کرد برخورد، فقط یک حادثه اتفاقی بوده است اما من می‌دانستم که این یک حادثه اتفاقی نبوده، حتی پیش از برخورد هواپیمای دوم فهمیده بودم قضیه از چه قرار است و می‌دانستم کار کیست.

حمید حسام با «راز نگین سرخ» در نمایشگاه کتاب

آخرین اثر از حمید حسام نویسنده دفاع مقدس و چهره سال هنر انقلاب اسلامی در سال ۹۶ به نام «راز نگین سرخ» توسط انتشارات صریر در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران عرضه می‌شود.

کتاب «راز نگین سرخ» زندگینامه داستانی سردار شهید مهندس محمود شهبازی فرمانده سپاه همدان و جانشین لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) است که توسط حمید حسام نوشته شده است. کتاب حاوی خاطرات شهید از زبان خانواده و همرزمانش است. تمام شخصیت‌های این داستان ساخته ذهن نویسنده است. حوادث این داستان گوشه‌ای از فراز و نشیب‌های دفاع مقدس از آغازین روز جنگ تا هنگام آزادی خرمشهر است. روی جلد کتاب، تصویری از محمد شهبازی فرمانده سپاه همدان در نبرد «الی بیت المقدس» و آزادسازی خرمشهر در سال ۶۱ طراحی شده است. زندگینامه داستانی «راز نگین سرخ» در ۶۴ فصل با موضوع داستان‌های جنگ ایران و عراق به چاپ رسیده است.

محمود شهبازی در سال ۱۳۳۷ در اصفهان متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همین شهر گذراند و در سال ۱۳۵۶ جهت ادامه تحصیل در رشته مهندسی صنایع به تهران رفت. در دوران مبارزات انقلاب نقش اساسی داشت. در جریان بازگشت امام خمینی(ره) به عضویت کمیته حفاظت درآمد، پس از آن به عضویت سپاه درآمد و ضمن تحصیل در دانشگاه، در دفتر هماهنگی ستاد کل سپاه فعالیت کرد.

شهبازی در سمت قائم مقام فرماندهی لشکر ۲۷ محمد رسول الله در عملیات فتح‌المبین شرکت کرد. وی سال ۱۳۶۱ در جریان عملیات آزادسازی خرمشهر به شهادت رسید. «راز نگین سرخ» به قلم «حمید حسام» در ۳۳۶ صفحه به نگارش درآمده و توسط نشر «صریر» در ۳هزار نسخه منتشر شده است.

«آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای؛ نوبت دوم»

قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص)- گروه تخصصی نوح(ع)- مدیریت مستقل پروژه NGL3200 در نظر دارد از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای، اجرای عملیات ذیل را مربوط به پروژه احداث کارخانه گاز و گاز مایع NGL3200 غرب کارون، طی دو مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید:

۱- مناقصه تهیه و تأمین کلیه مصالح، متریال، تجهیزات و اجرای کامل ساختمان‌های نمازخانه، حراست، Bunker، Ware House و Work Shop.

* مبلغ برآورد: ۱۶،۱۹۲،۷۴۶،۷۸۷ ریال. * مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۸۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال ضمانت‌نامه بانکی معتبر.
* محل اجرا: شهرستان اهواز – منطقه جفیر * مدت اجراء: ۳ ماه * نوع طرح: غیر عمرانی
* هزینه خرید اسناد مناقصه: ۵۰۰/۰۰۰ ریال (هزینه درج آگهی بعهده برنده مناقصه می‌باشد.)

۲- مناقصه تهیه و تأمین کلیه مصالح، متریال، تجهیزات و اجرای کامل ساختمان Control Room، شامل؛ کلیه عملیات مربوط به معماری، تأسیسات الکتریکی و مکانیکی، اعلام حریق، ایمنی، شبکه، پیجینگ، تلکام، اطفاء حریق و HVAC و .

* محل اجرا: شهرستان اهواز – منطقه جفیر * مدت اجراء: ۵ ماه * نوع طرح: غیر عمرانی
* مبلغ برآورد: ۱۷،۴۳۵،۳۱۴،۶۱۴ ریال. * مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۹۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال ضمانت‌نامه بانکی معتبر.
* هزینه خرید اسناد مناقصه: ۵۰۰/۰۰۰ ریال (هزینه درج آگهی بعهده برنده مناقصه می‌باشد.)

* محل دریافت اسناد مناقصه: تهران- میدان نوبنیاد- خیابان شهید لنگری- خیابان صنایع- پلاک ۲۲- واحد ۶- دفتر مدیریت حقوقی و امور قراردادهای پروژه NGL3200 - تلفن: ۲۸۴۶۲۲۶۴-۰۲۱
* مهلت دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۳۹۷/۰۲/۰۸ لغایت ۱۳۹۷/۰۲/۱۱.
* متقاضیان شرکت در مناقصه می‌بایست دارای گواهی صلاحیت پیمانکاری، پایه ۵ رشته ابنیه از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و گواهینامه صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون، کار و اموراجتماعی استان خوزستان باشند.

تاریخ انتشار نوبت اول آگهی: ۱۳۹۷/۰۲/۰۶ و نوبت دوم: ۱۳۹۷/۰۲/۰۸

قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) گروه تخصصی نوح NGL 3200 مجری طرح و مدیریت پروژه